



علی باقریان

❖ نخستینت فکرت<sup>[۱]</sup> پسینت شمار<sup>[۲]</sup>  
تو مَر<sup>[۳]</sup> خویشتن را به بازی مدار<sup>[۴]</sup>  
❖ شنیدم ز دانا دگگون از این  
چه دانیم را ز جهان آفرین<sup>[۵]</sup>!

❖ نکه کن سرانجام خود را ببین  
که کاری نیایی بر او بر گزین<sup>[۶]</sup>  
❖ به رنج اندر آری تفت را رواست  
که خود رنج بردن به دانش سزااست<sup>[۷]</sup>

❖ نکه کن بدین گنبد تیزگرد<sup>[۱۰]</sup>  
که در مان از اوی است وز وی است درد

۱- فکرت: اندیشه. ۲- شمار: حساب، بازخواست، روز رستاخیز. ۳- مَر: حرف اضافه‌ای که بیشتر با «را» می‌آورد ه‌اند. ۴- به بازی مدار: به شوخی نگیو. ۵- آغاز تو با اندیشه است و اینابر این ایا یان با حساب (از آنجا که تو بنابه آفرینش صاحب اندیشه شده‌ای، در روز رستاخیز بازخواست خواهی شد): هستی خود را به شوخی نگیو! ۶- از اهل دانش اِهم در این باره گزارشی دیگرگونه شنیدم: باین همه، راز خدای جهان آفرین را نخواهیم دانست. ۷- گزین: برتر، مقدم. ۸- بیندیش و در فرجام کار خویش درنگ کن، که کاری مقدم بر این نخواهی یافت. ۹- اگر تن خود را در این کار به رنج بیفتنی، رواست، که رنج بردن در راه دانایی کاری است شایسته. ۱۰- گنبد تیزگرد: آسمان گرد و گردان به تندی (به پندار پیشینیان).

برای شنیدن این ابیات، کد روبه‌رو را اسکن کنید:



در شانزدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت، از تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «پاییز آمد» رونمایی شد

# روایت صادقانه عشقی آتشین و ایمانی راستین

گروه فرهنگ و ادبیات

گزارش  
روز

عصر روز یکشنبه، ۲۹ مهرماه، در قالب مراسم شانزدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت که در مصلا ی خاتم الانبیای زنجان برگزار گردید، از تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «پاییز آمد» رونمایی شد. این کتاب روایت زندگی فخرالسادات موسوی و سردار شهید احمد یوسفی، فرمانده واحد مهندسی-رزمی سپاه ناحیه زنجان است که گلستان جعفریان، نویسنده و روزنامه نگار مشهوری، آن را قلمی کرده است. نخستین دوره این مراسم، بهمن

۱۳۹۰، با رونمایی از تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «نورالدین، پسر ایران» برگزار شد. در شانزدهمین دوره پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت که هم‌زمان با ایام سالگرد سفر مقام معظم رهبری به زنجان (۲۱ مهرماه ۱۳۸۲) و به‌همت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای برگزار شد، با قرآن‌اهدایی و چغیه و انگشتر متبرک رهبر انقلاب اسلامی از راوی و نویسنده کتاب «پاییز آمد» تقدیر شد. از حوریه عابدی (مادر شهید یوسفی) و سید علاءالدین موسوی (برادر همسر شهید) نیز در این مراسم قدردانی شد. در پایان، از تقریظ رهبر انقلاب اسلامی بر این کتاب رونمایی شد.

● وعده دیدار: ماهی یک مرتبه زنجان

از سال ۱۳۹۵، پیشنهادهای زیادی برای نوشتن خاطرات زندگی خود و همسر، به خصوص از سوی «حوزه هنری» زنجان، ارائه شد. اواخر همین سال بود که چند ورقه مکتوب شد در این باره، اما اصلا برای خود من قانع‌کننده نبود، تا اینکه همین چند ورق مکتوب به تهران فرستاده شد و از تهران به خاتم جعفریان پیشنهاد دادند تا به زنجان بیاید و با هم ملاقاتی داشته باشیم. حضور او تلنگری بود برای نوشتن این کتاب. ماهی یک مرتبه به زنجان می‌آمد و خاطراتی را ضبط می‌کرد. این روال ادامه داشت تا اینکه نهایتاً در سال ۱۴۰۰ به پایان رسید.

● چالش روایت زندگی یک دختر ۱۷ساله گلستان جعفریان در حوزه دفاع مقدس تجربه دارد و با قلم زیباییش، از زبان من آنچه را که روایت کرده‌ام به شکلی که الان هست درآورده است. در طول مدتی که جعفریان به زنجان می‌آمد، یک رابطه دوستی



بین ما ایجاد شد. او فقط یک نویسنده نیست؛ علاقه زیادی به این حوزه دارد. برایش مهم است که چالش‌های این حوزه را شناسایی کند و به نسل آینده نشان بدهد. خودش هم روحیه ظریفی دارد در این قضیه. همین باعث شد، وقتی که او را دیدم، بازخورد خوبی از او داشته

عظیم زاده کتاب «پاییز آمد» به قلم گلستان جعفریان، روایت زندگی و خاطرات شهید احمد یوسفی و همسرش، فخرالسادات موسوی، است. موسوی، که دوره‌های نظامی را گذرانده و مدتی مربی آموزش نظامی، از قبیل کارهای تخریب، تاکتیک و سلاح‌شناسی در زنجان بوده، در همین ایام با همسرش آشنا می‌شود. در پاییز سال ۱۳۵۹ با یکدیگر ازدواج کردند. احمد یوسفی، در مهر ۱۳۶۵، در مأموریت مهندسی رزمی برای بررسی استحکامات خط، در ارتفاعات لری عراق به شهادت رسید. این داستان با همه فراز و فرودهایش در سال ۱۴۰۱ چاپ و منتشر شد. آنچه در ادامه می‌آید، صحبت‌های فخرالسادات موسوی، همسر شهید احمد یوسفی، با ما درباره همین اثر است.

گفت‌وگو

وجه تمایز «پاییز آمد» از زبان نویسنده

## زندگی دوگانه فخرالسادات

ازدواج می‌کند و به آرامی از کنار جنگی که در کشورش جریان دارد عبور می‌کند، اما در عین حال با پارادوکس‌هایی هم مواجه است.»

جعفریان درباره مدت زمان نگارش این کتاب هم گفت: «مصاحبه‌ها نزدیک سی ساعت و

کار هم سه سال طول کشید. من ماهی یک بار به زنجان می‌رفتم و گریه‌های شدیدش شخصیت اصلی سبب می‌شد کار با سرعت کمی پیش برود. به شکلی که گویی زخم‌های فخرالسادات تازه بودند، گویی به تازگی همسرش، احمد، را از دست داده بود. [باین همه لحظه‌ای که متوجه تقریظ رهبر معظم انقلاب بر این کتاب شدم، بسیار خوش حال شدم و این سبب آرامش روحی و خوشحالی من شد.»



سی و پنج سال می‌گذرد، اما هنوز پاییز که می‌آید، نمی‌دانم از آتش مهری که بر جانم انداخته است غمگین باشم یا مسرور. به برگ‌های زیبا و رنگارنگ می‌نگرم؛ با من سخن می‌گویند، زیبایی مرگ ما از زیبایی زندگی ماست. آری، پاییز برای من بغضی تمام‌نشدنی دارد. تب‌لرزی است

بخشی  
از کتاب



«پاییز آمد، خاطرات فخرالسادات موسوی. همسر سردار شهید احمد یوسفی.» نوشته گلستان جعفریان. نشر سوره مهر. ۱۴۰۱ (چاپ ششم)، ۲۴۰ صفحه، ۱۲۰ هزار تومان.

سال معاون پژوهش دانشگاه علوم انتظامی بوده و با روزنامه‌های «قدس» و «خراسان»، دوهفته‌نامه «کمان» (دفتر ادبیات و هنر)، مؤسسه «روایت فتح» (بخش تحقیق)، و ماهنامه «سوره» همکاری داشته است. او در مسابقات استانی و دانشجویی صاحب جوایزی شده و در جشنواره مطبوعات سال ۱۳۸۳، در بخش ویژه، به دلیل کار صفحه «هنرمندان شهید» در مجله «سوره»، مقام اول را کسب کرده است. از جمله آثار او است: «شاهین کوهستان، داستان‌واره‌ای از زندگی امیر سرلشکر شهید حسن آبشنانسان»، «چهار فصل کوچ»، «زود بزرگ شدیم»، و «تک‌تاک زندگی (براساس زندگی شهید یوسف کلاه‌دوز)».

منابع: کتابراه، سوره مهر

خطاب می‌شود، همسرش، نه یک شخصیت فرازمینی، بلکه فردی عادی است. در اینجا، ردپایی از معصومیت بی‌خط‌وخشی که با تصویر اغراق‌آمیز رسانه‌ها به شهیدان نسبت داده می‌شود نمی‌بینید. مرد زندگی فخری، قبل از هر چیز، همسر، دوست و همراه او بود. نویسنده، در مقدمه، به تجربه خود از ملاقات‌های متعددش با همسر شهید می‌پردازد. او که در طول چهار سال تألیف کتاب بیشتر از بیست بار به زنجان سفر کرده است تصویری از زندگی واقعی خانواده سردار احمد یوسفی ارائه می‌دهد.

جعفریان در مقدمه کتاب نوشته است: «عشق‌های افسانه‌ای این‌طور ساخته می‌شوند: در زمانه بلا، در روزگار تنگی و حتی وقتی قحط‌سالی می‌شود اندر دمشق، عشق‌هایی که می‌شود سال‌ها وسال‌ها بعد

اولین سطر در زمستانی سرد نوشته شد. روزی که نویسنده، در میانه برگ قدم به زنجان گذاشت تا شنونده سرگذشت فخرالسادات موسوی، همسر سردار شهید احمد یوسفی، باشد. ملاقات گلستان جعفریان و خانم موسوی آغاز یک هم‌نشینی چهارساله بود. این دو به مدت سی ساعت به گفت‌وگو نشستند تا داستانی را سروشکل بدهند. «پاییز آمد» این‌گونه شکل گرفت، روایتی که از سال‌های شاد کودکی در مشهد آغاز شد و در ادامه به سرمای استخوان‌سوز زنجان رسید، جایی که عشقی غیرمنتظره در پراشوب‌ترین دوران ایران معاصر به انتظار بانوی قهرمان قصه نشسته بود. ویژگی کتاب این است که در روایت فخرالسادات موسوی که در داستان «فخری»

معرفی  
کتاب